

رابط بین خیران و نیازمندان بود

بصیری پور پس از پایان مسئولیت های دولتی، تمام توان خود را صرف فعالیت های عام المنفعه کرده است. او به همراه تعدادی از دوستانش که با او در این مسیر همراه هستند، مؤسسات متعددی تأسیس کرده و اولین و بزرگ ترین خدمتگذار در «مؤسسه مجمع خیرین مسکن ساز استان خراسان رضوی» است. این مجمع با هدف ساخت مسکن برای خانواده های محروم تأسیس شد و طی ۱۰ سال فعالیتش در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ تعداد ۲ هزار واحد مسکونی ساخته و در اختیار افراد تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) گذاشته است. بصیری پور درباره نوع فعالیتش در این مجمع توضیح می دهد: همان طور که اشخاص نیازمند به مامعرفی می شدند، خیران راهم معرفی می کردند. ما به افرادی که می خواستند در این راه کمک کنند، می گفتیم به طور مثال اگر صد خانواده نیازمند داریم که می خواهیم به آن ها خانه بدهیم، سهم خود یاری ۲ تا ۵ میلیون می شود. فرد می خواست هزینه یک خانواده را بدهد یا سه چهار خانواده؛ در واقع ما از هیچ کس پول نگرفتیم. خیران به جای خانواده های نیازمند، هزینه را واریزی می کردند و ما خانه ها را می ساختیم. دومین مجموعه او، مؤسسه خیریه حمایت از بیماران آسیب پذیر طوس است که ۲۶ سال از خدمتش می گذرد. تعریف می کند: این مجموعه روز اول، کارش را با بیست نفر آغاز کرد و اکنون ۱۴۰ نفر از خیران با این مؤسسه در ارتباط هستند که به بیماران نیازمند کمک می کنند. جلسات این مؤسسه هر هفته برگزار می شود و در هر جلسه بین شصت تا هشتاد بیمار تحت پوشش قرار می گیرند. بصیری پور می گوید: ما هیچ گاه پول نقد به کسی ندادیم. همه چیز شفاف است و پس از مددکاری و کاهش هزینه های

درمان، پول را به مراکز درمانی می دهیم. «مؤسسه خیریه قرآنی المهدی (ع)» کوهستگی، دیگر مرکزی است که او به عنوان رئیس هیئت مدیره در آن خدمت می کند. این مرکز به آموزش قرآن به خانواده های محروم می پردازد. بصیری پور درباره فعالیت آن توضیح می دهد: ابتدا که کار در محلات کم برخوردار را شروع کرده بودیم، به خاطر پیشرفتشان در قرآن آموزشی مبلغی پرداخت می کردیم. اما بعد از حدود دو دهه خدمت اکنون در کنار قرآن آموزشی به خانواده های نیازمند برای تشویقشان، به آن ها بسته های معیشتی می دهیم. اورئیس هیئت مدیره «زائر سرای شمس الشموس» نیز هست. این مرکز به زائران پیاده در راه مشهد خدمات رایگان ارائه می دهد و در مناسبت های مذهبی مانند دهه کرامت، ناهار و شام زائران را که بیش از ۲ هزار نفر می شوند، تقبل می کند. «خانه خیرین»، یکی دیگر از مؤسساتی است که او در آن فعالیت می کند. این مؤسسه که ثبت شرکت ها شده است، کارش نظارت بر کار تمام خیریه ها بود تا بتوانند در کنار هم به نیازمندان کمک کنند. پس از پانزده سال فعالیت، خانه خیرین با شیوع کرونا تعطیل شد و بصیری پور به خاطر مشغله های کاری اش نتوانست مجدداً راه اندازی کند. مرکز، جامعه الصادق، که چند سالی از راه اندازی آن می گذرد، برای طلاب محروم است. بصیری پور می گوید: بین جوی ها افراد نیازمندی هستند. این افراد آبرومند نیاز به کمک دارند و ما سعی می کنیم در حد توان به آن ها به ویژه آن هایی که همسرانشان فوت کرده اند، کمک کنیم. او تعریف می کند: سال گذشته پانصد سری جهیزیه به آن ها دادیم. علاوه بر آن یکی از خیران ماهزینه تحصیل دو بیست فرزند یتیم طلاب را تاروی که درس بخوانند، پذیرفت. در واقع ما ارتباط خیران با نیازمندان را تسهیل می کنیم. کمک های معیشتی و تغذیه ای به محصلان «مرکز جامعه المصطفی» نیز یکی از کارهای آن هاست.

با این همه مشغله ای که دارید،

برای خانواده خودتان وقت می گذارید؟

به عنوان یک همسر، پدر، همسایه تاجایی که بتوانم، وظایفم را انجام می دهم. کارهای شخصی ام را خودم انجام می دهم. حتی بعد از غذا خوردن اغلب ظرف غذا را خودم می شویم. غذاهایی مانند شیربرنج، فرنی و املت را من درست می کنم. چون همه معتقدند این غذاها را خوشمزه می پزم. احوالپرس همسایه ها هستم. اگر یکی از نمازگزاران به مسجد نیاید، رنگ می زنم و حالش را می پرسم.

تفریحاتی هم دارید؟

به گفته آقا امیرالمؤمنین (ع) «بهترین تفریح، کار است». از گذشته فوتبال بازی می کردم. سال ۱۳۷۹ مدیر عامل باشگاه ابو مسلم بودم و ورزش می کردم. الان هم به خاطر مشکل قلبی نمی توانم زیاد بدوم؛ برای همین ورزش در آب انجام می دهم.

از زندگی و اتفاقاتی که تاکنون برایتان افتاده است،

چقدر راضی هستید؟

شخصیتم طوری است که هیچ وقت صد درصد راضی نمی شوم؛ چون معتقدم شاید می توانستم از کاری که اکنون انجام داده ام، بهتر هم انجام دهم؛ برای همین نمی توانم بگویم راضی هستم.

اگر دوباره برگردید به جوانی، همین مسیر را انتخاب می کنید؟

نه. اگر به جوانی برگردم، از برخی اندیشه هایم دست برمی دارم و کارهایی را که باید انجام می دادم، انجام می دهم. به طور مثال به من کار در تهران پیشنهاد شد. اما نگاهم این بود در شهر بزرگ و شلوغی مثل تهران نمی توان به خوبی کار کرد، اما این نوع تفکر درست نبود.

کتاب هایی که منتشر کرده اید در چه زمینه ای بوده است؟

هفت جلد کتاب نوشته ام. دو جلد معرفی مؤسسه درمانی توس است؛ سه جلد کتاب مربوط به همان زمانی است که تلفن همراه و پیامک تازه آمده بود که در هر کدام حدود هزار جمله قصار برای استفاده در پیامک نوشته ام. دو جلد کتاب هم درباره خاطراتم در اهواز و مشهد به چاپ رسیده است.

قصه ندارید تجربیات زندگی تان را بنویسید؟

در حال حاضر در حال نوشتن آن هستم، اما برای جمع بندی اش به زمان نیاز دارم.

پس از ۲ سال تبریئه شد

بصیری پور در سال های کاری اش خاطرات بسیاری دارد. وقتی از او می خواهیم تعدادی از آن ها را برایش تعریف کند، به یاد ما جرای می افتد که از او به خاطر فساد اقتصادی شکایت کرده بودند و دو سال طول کشید تا در دادگاه تبریئه شد. او تعریف می کند: سال ۱۳۸۴ پس از واگذاری فاز اول پروژه ۸۶ واحدی در محله طلاب به افراد زیر پوشش بهزیستی مشهد، چند نفر درخواست فروش خانه هایشان را داشتند که با مخالفت مجمع روبه روشد. آن ها تعهد داده بودند که تا ۱۰ سال خودشان در واحد ها زندگی کنند. بصیری پور ادامه می دهد: پس از مدت کوتاهی از درخواست آن ها که مخالفت کرده بودیم، متوجه شدیم تعدادی از ساکنان پروژه از مدیرعامل مجمع که من بودم، به دلیل فساد اقتصادی شکایت کرده اند. بصیری پور یادآور می شود: ما به ازای هر خانه ای که تحویل می دادیم، مبلغ یک میلیون تومان می گرفتیم که در ساخت دیگر پروژه ها استفاده می شد. این رقم اندک هم به این خاطر بود تا تعهدی برای آن ها ایجاد کنیم؛ اما آن ها می گفتند شما مجمع خیرین هستید و نباید بابت خانه ها از هر کدام از ما این هزینه را دریافت کنید.

به کمک همسایه ها مسجد محل را ساختند

بیست سال قبل اولین خانه در رسالت ۳۵ محله فرامرز عباسی را او بنا کرد. در کنار باغی بزرگ که به قول خودش، سهم محله از آن، جانوران مودی اش بود. کم کم همسایه ها آمدند و خانه ساختند. طی کمتر از یکی دو سال، محله شکل گرفت و همسایه ها آمدند. او به کمک دیگر اهالی پیگیر ساخت مسجد در محله شدند و بالاخره توانستند مسجد امام علی (ع) را بنشین خیابان فرامرز عباسی ۲۱ بسازند. او سال هاست که عضو هیئت امنای این مسجد است. «اینکه، فرد شناخته شده ای چون شما در محله ای ساکن باشد، آیا برای اهالی خوب است یا نه؟» این را از اعضا سابق شورای شهر می پرسیم. سؤال ما خنده بر لبانش می نشاند

